



در نشستی با حضور متخصصان و کارشناسان بررسی شد: خانواده و آموزش تربیت بدنی

اشاره

متخصص تربیت بدنی، و عضو هیئت تحریریه‌ی مجله‌ی رشد آموزش تربیت بدنی، آقای محمدعلی خسروپناهی، معاون آموزشی دبیرستان و مرکز پیش‌دانشگاهی کمال، و آقای بهرام آهنجان، دبیر تربیت بدنی این آموزشگاه برگزار کرده‌ایم که مشروح گفت‌وگوهای آن تقدیم شما مخاطبان عزیز می‌شود.

خانواده‌ها چه نقشی در آموزش تربیت بدنی دارند؟ آیا در درس تربیت بدنی، والدین مشوق دانش‌آموزان هستند یا برعکس، آن‌ها را از این درس نهی می‌کنند و پرهیز می‌دهند؟

به اعتقاد بسیاری از کارشناسان، والدین دانش‌آموزان ایرانی علاقه‌ی زیادی به حضور فعال فرزندانشان در کلاس تربیت بدنی نشان نمی‌دهند. آن‌ها بیش از هر چیز کودکان خود را به خواندن درس‌هایی تشویق می‌کنند که برای موفقیت در کنکور دانشگاه‌ها لازم‌اند. این در شرایطی است که حضور فعال در کلاس تربیت بدنی باعث رشد یادگیری دانش‌آموزان در سایر دروس می‌شود و تجربه‌ی موفق برخی از مدارس کشورمان در این زمینه، دلیلی بر این مدعاست. به منظور تبیین جایگاه و نقش خانواده‌ها در آموزش تربیت بدنی مدارس، نشستی با حضور دکتر علی اصغر احمدی استاد دانشگاه و متخصص روان‌شناسی، دکتر سید مهدی آقاپور، جامعه‌شناس ورزش و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، دکتر جواد آزمون، عضو هیئت علمی دانشگاه،

دکتر جواد آزمون: موضوع میزگرد ما، یکی از چالش‌های مهم درس تربیت بدنی؛ یعنی ضرورت آشنایی هر چه بیشتر والدین با درس تربیت بدنی است. بیش از ۸۰ سال است که درس تربیت بدنی در برنامه‌ی رسمی تحصیلی دانش‌آموزان گنجانده شده است. پس از انقلاب و در پی تلاش‌های سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، برنامه‌های تدوین شد تا در نهایت، در سال ۷۴ تربیت بدنی نیز صاحب یک برنامه‌ی مدون شود. برای تکمیل این برنامه، از سوی دستگاه‌های اجرایی تلاش‌هایی صورت گرفت، ولی کماکان مشکلاتی در مرحله‌ی اجرای این برنامه وجود دارد. هنوز حیاط مدرسه، کلاس درس معلم تربیت بدنی است و



همین‌که کلمه‌ی «ورزش»، جای خودش را به کلمه‌ی «تربیت‌بدنی» داده، خودش یک تحول بزرگ است. اگر تربیت را یک طیف بیندازیم، تربیت‌بدنی یک بخش از تربیت به معنای عام کلمه است. تربیت در اصطلاح ما، همان اقداماتی است که برای رشد همه‌جانبه‌ی شخصیت فرد، در جهت رسیدن به اهداف مطلوب انجام می‌شود. تربیت، یک نوع زمینه‌سازی برای رشد شخصیت انسان‌ها در ابعاد گوناگون است. مثلاً برای اولیای دانش‌آموزان بعد شناختی روزه خیلی ملموس‌تر از دانشی است که دانش‌آموزان در مدرسه کسب می‌کنند. اولیا، بعد شناختی شخصیت فرزندان‌شان را صرفاً روی اطلاعات و دانش وی می‌دانند، در صورتی‌که، بعد شناختی شخصیت، شامل: تفکر، تخیل، استفاده از قواعد منطقی در تفکر و خلاقیت‌های گوناگون است.

اگر بخواهیم تربیت را به معنای واقعی و همه‌جانبه‌ی آن بررسی کنیم، نباید صرفاً روی تربیت شناختی تأکید داشته باشیم، چرا که تربیت عاطفی، اجتماعی، هنری و بدنی، تشکیل دهنده‌ی ابعاد مختلف تربیت هستند و به همین دلیل، والدین باید تربیت را به معنای عام کلمه ببینند و تربیت‌بدنی را نیز جزئی از عناصر تربیت بدانند.

کلمه‌ی تربیت‌بدنی، اصطلاح جدیدتری نسبت به کلمه‌ی ورزش است و سالیان سال روی آن کار شده، ولی به نظر من، هنوز مترادف با ورزش به کار می‌رود. در صورتی‌که کلمه‌ی تربیت‌بدنی

این درس فضای اختصاصی ندارد. البته با پی‌گیری دستگاه‌های اجرایی، قانون دیگری نیز در سال ۱۳۸۲ به تصویب رسید که پیرو آن، مدارس که با بیش از ۱۰ کلاس احداث می‌شوند، ملزم به ساخت سالنی برای تربیت بدنی خواهند بود که در راستای اجرای این قانون، سالن‌های زیادی تاکنون احداث شده است. به‌هرحال برنامه‌ی رسمی تربیت‌بدنی در مدارس، اجرا شده و معلمان و متخصصان زیادی در مقاطع گوناگون تحصیلی در حال تدریس هستند. به‌زودی تعداد زیادی از معلمان متخصص نیز در مقطع ابتدایی مشغول کار می‌شوند. و جایگاه تربیت‌بدنی و نقش آن در تعلیم و تربیت پررنگ‌تر خواهد شد.

یکی از چالش‌های اساسی تربیت‌بدنی، ناآگاهی و بی‌توجهی خانواده‌ها نسبت به درس تربیت‌بدنی و نقش و جایگاه این درس در تکمیل عناصر تربیتی دانش‌آموزان است که دلیل اصلی برگزاری این نشست می‌باشد. از دوستان تقاضا می‌شود در خصوص اهمیت درس تربیت‌بدنی و لزوم آشنایی هرچه بیشتر خانواده‌ها با این درس توضیح دهند و بفرمایند که چگونه می‌توان خانواده‌ها را به درس تربیت‌بدنی علاقه‌مند کرد. به گونه‌ای که برای درس تربیت‌بدنی نیز همانند سایر دروس ارزش قائل شوند و با حمایت آن‌ها بتوانیم این درس را در مدرسه تقویت کنیم.

تربیت‌بدنی یک بخش از کل تربیت
دکتر علی‌اصغر احمدی، روان‌شناس و استاد دانشگاه:

بسیار عام‌تر از کلمه‌ی ورزش است. وقتی عبارت تربیت‌بدنی را به کار می‌بریم، باید ظرفیت‌های بدن را ببینیم. مثلاً بدن ما امکان یادگیری‌هایی را دارد که به سیستم مجزایی از سیستم شناختی ما مرتبط است. وقتی یک حرفچین بدون نگاه کردن به حروف و با انگشتانش کار حرفچینی را انجام می‌دهد و از انگشتان به جای ذهنش استفاده می‌کند، یک یادگیری بدنی و حرکتی دارد، نه یک یادگیری شناختی که از طریق چشم صورت می‌گیرد. آیا در تعلیم و تربیت، ظرفیت‌های یادگیری بدن و آن چه بدن می‌تواند بیاموزد، به خوبی تبیین شده است؟ به عنوان مثال، در ورزش فوتبال، توپ باید جزئی از بدن فرد باشد تا او بتواند یک فوتبالیست خوب شود. این‌ها ظرفیت‌های یادگیری بدنی است که خانواده‌ها باید در جریان آن قرار گیرند.

حال اگر بخواهیم تربیت‌بدنی را به معنای عام کلمه مورد توجه قرار دهیم، باید به رابطه‌ی روح با بدن هم بپردازیم. در نظریه‌های مختلف روان‌شناسی، درباره‌ی این مسئله بحث شده است. انسان‌هایی وجود دارند که شخصیت آن‌ها در بدنشان خلاصه می‌شود. به عنوان مثال، اکثر افرادی که به ورزش بدن‌سازی می‌پردازند، در خیابان‌ها قدم می‌زنند و بدنشان را به نمایش می‌گذارند. این کار تداعی‌گر یک شخصیت صرفاً بدنی است و انگار همه‌ی دنیای آن‌ها در بدنشان خلاصه شده است. در حالی که هدف تربیت، نگه داشتن انسان‌ها در سطح بدن نیست، بلکه هدف، تکمیل عناصر تربیتی و ایجاد یک سکو برای رشد و

تعالی انسان‌هاست.

به اعتقاد من، تربیت‌بدنی در معنای عام کلمه، باید نقش خودش را در شکل‌گیری سطوح بالاتر شخصیت افراد نشان دهد. مثلاً ما در یک سطح، شخصیت اجتماعی داریم. انسانی که شخصیت او به‌طور فراگیری روی ارتباطات اجتماعی تعریف شده و این مسئله، مهم‌ترین دغدغه و دل‌مشغولی اوست. این یک مرتبه از تحول شخصیت فرد است. انگار شخصیت ما باید پله‌هایی را پشت‌سر هم طی کند تا به آن کمال لایق و مطلوب خودش برسد. منتهی پایه‌ی آن بدن است و باید ارتباط این بدن با فرآیندهای بالاتر را هم ببینیم.

گریزه‌ی جنسی که از بدن سرچشمه می‌گیرد، یکی از موضوعات تربیت‌بدنی به معنای عام کلمه است که تاکنون به آن نپرداخته‌اند و اگر بخواهیم مقوله‌ی تربیت را به آن متصل کنیم، همین موضوع باید جزو تربیت‌بدنی به شمار آید. حتی تربیت‌بدنی باید شامل گرسنگی و تشنگی هم که پایه‌های بدنی دارند، بشود. امروزه تربیت‌بدنی را در حد و حدود کلمه‌ی ورزش می‌دانند، در حالی که اگر بخواهیم شأن این کلمه را به‌جا بیاوریم، به اعتقاد من مسائل بسیاری در این حوزه جای می‌گیرد و موجب توسعه و گسترش تربیت‌بدنی می‌شود.

روان‌شناسی ورزش

روان‌شناسی ورزش نیز از جمله مقوله‌هایی است که اگر تربیت‌بدنی را در معنای خاص ورزش هم متوقف کنیم، شامل ایجاد بحث‌های انگیزه و تداوم ورزش و هم‌چنین تأثیرات تغییرات بدنی روی انگیزش‌های سطوح بالاتر روانی افراد خواهد شد. اگر خانواده‌ها در جریان این مسائل قرار بگیرند و تربیت‌بدنی را در یک اصطلاح تنگ و باریک ورزش خلاصه نکنند، از تربیت‌بدنی استقبال گسترده‌ای خواهد شد. باید دامنه‌ای که به‌طور اجمالی آن را ترسیم کردیم، برای خانواده‌ها تبیین شود، چرا که خانواده‌ها امروزه فقط علم و دانش و دانشگاه را می‌شناسند ولی به ورزش اهمیتی نمی‌دهند و آن را تلف کردن عمر می‌دانند، به این دلیل که تربیت‌بدنی را در گستره‌ی خاص خودش نمی‌شناسند و متوجه‌ی اهمیت آن نیستند.

دکتر جواد آزمون:
یکی از چالش‌های اساسی تربیت‌بدنی، ناآگاهی و بی‌توجهی خانواده‌ها به درس تربیت‌بدنی و نقش و جایگاه این درس در تکمیل عناصر تربیتی دانش‌آموزان است



**دکتر علی اصغر احمدی:
والدین باید تربیت را به معنای عام
کلمه و تربیت بدنی را نیز جزئی از
عناصر تربیت بدانند**



این نیاز کاذب از سوی کنکور دانشگاه‌ها ایجاد شده است. از طرفی، عده‌ای از مسئولین که کار آموزشگاه‌ها را غیرمجاز می‌دانستند و به فعالیت آن‌ها خرده می‌گرفتند، به صورت غیررسمی با ما تماس می‌گیرند و می‌خواهند که فرزندان‌شان در همین آموزشگاه‌ها ثبت‌نام شوند، یا کتاب‌های کمک‌درسی برایشان تهیه کنیم، در حالی که بخشی از همین کتاب‌های کمک‌درسی نیز غیراستاندارد است.

در پاسخ به سؤال شما که چرا خانواده‌ها،

تربیت بدنی و ورزش را به‌عنوان یک نیاز احساس نکرده‌اند، باید تعریف درستی از تربیت بدنی ارائه شود و از آن به‌عنوان یک نیاز یاد کنیم. تاکنون سابقه نداشته است که یک نفر برای درس تربیت بدنی، معلم خصوصی بگیرد، در حالی که والدین دانش‌آموزان برای سایر دروس، از جمله ریاضی، فیزیک و شیمی معلم خصوصی می‌گیرند و به این دروس اهمیت می‌دهند.

اگر تاکنون تربیت بدنی به‌عنوان یک نیاز اساسی برای خانواده‌ها تعریف نشده و جا نیفتاده است، ما باید در پی علل آن باشیم. به مصداق ضرب‌المثل معروفی که می‌گوید «حرمت امام‌زاده را متولی آن نگه می‌دارد»، یکی از علل اصلی این است که دبیران تربیت بدنی یا مسئولین متولی کار، برنامه‌ی مدونی برای تربیت بدنی ندارند. در حال حاضر دبیران ورزش از یک امتیاز ویژه نسبت به سایر دبیران برخوردار هستند، ولی از آن غافل‌اند و این امتیاز، محبوبیتی است که دبیر ورزش میان دانش‌آموزان دارد و با یک نظرسنجی ساده از دانش‌آموزان به این نتیجه می‌رسیم. چرا که دانش‌آموزان به درس ورزش علاقه دارند و دبیر ورزش را دوست دارند. به نظر من، با ریشه‌یابی این مسئله، بخشی از مشکلات حل می‌شود.

من در یک دبیرستان غیرانتفاعی واقع در منطقه‌ی ۸ که قدمتی بیش از ۵۰ سال دارد فعالیت می‌کنم. مرحوم دکتر یدالله سحابی، و شهیدان رجایی، باهنر و بهشتی هم در آن کار کرده‌اند. می‌گویند در یک دوره‌ای، ورودی دانشگاه علم و صنعت را این دبیرستان می‌داده است و الان هم تقریباً فضای این‌چنین دارد.

مدارسی که در زمینه‌های علمی، فعال هستند و شهرت و اعتبار دارند، متأسفانه کمتر به بعضی مسائل از جمله تربیت بدنی توجه می‌کنند، ولی در مدرسه‌ی یاد شده، با پیشنهاد و درایت دبیر باسابقه تربیت بدنی این مدرسه، در چند سال پیش، ورزش تخصصی ایجاد کردیم و همان‌طور که برای درس فیزیک، شیمی، حسابان و سایر دروس، ساعات اضافه داریم، برای تربیت بدنی و ورزش نیز ساعات اضافه گذاشته‌ایم. در پایه‌ی اول تا سوم، یک کلاس ورزش عمومی و یک کلاس ورزش اختصاصی برقرار کرده‌ایم. ورزش عمومی مصوب آموزش و پرورش و هفته‌ای ۲ ساعت برای پایه‌ی اول، دوم و سوم است.

دکتر جواد آزمون:

دکتر احمدی بحث آشنایی والدین با اهمیت درس تربیت بدنی را از لحاظ تربیتی و آکادمیک توضیح دادند. آقای خسرو پناهی شما یک مدیر اجرایی هستید و در محیط مدرسه، بیش از هر کسی با والدین ارتباط دارید. به نظر شما آیا والدین به درس تربیت بدنی اهمیت می‌دهند یا نه؟ چه پیشنهادی برای آشنایی والدین با اهمیت درس تربیت بدنی دارید؟

محمد علی خسرو پناهی:

گاهی اوقات در جامعه یک سری نیازهای کاذب ایجاد می‌شود و خانواده‌ها به دنبال برطرف کردن آن هستند. مانند همین آموزشگاه‌های آزاد که نیازهای کاذبی را در جامعه‌ی فرهنگی و آموزش و پرورش ما به وجود آورده است. این آموزشگاه‌ها، از امکانات و نیروهای آموزش و پرورش و دانش‌آموزانی که متعلق به آموزش و پرورش هستند تغذیه و متقابلاً فضا را برای آموزش و پرورش تنگ می‌کنند، در حالی که

کارکردهای تربیتی ورزش

خانواده‌ها و والدین محترم می‌دانند که ورزش، فواید و کارکردهای تربیتی فراوان دارد و نسبت فواید روحی و روانی آن بیش از فواید جسمی آن است. امروز یک نظریه‌ی مهم تعلیم و تربیت، مربوط به برنامه‌ی پنهان است که هیچ درس و کلاسی در برنامه‌ی پنهان، به پای درس تربیت‌بدنی نمی‌رسد. برنامه‌ی پنهان، قابل مشاهده نیست و برای آن برنامه‌ریزی نمی‌شود، ولی به صورت ناخودآگاه ولی انبوه، برنامه‌ی آشکار را که شامل کلاس، درس، امتحانات و سایر موارد قابل مشاهده‌ی مدارس می‌شود، تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. از طرفی، اگر بازی را تجزیه و تحلیل کنیم، مفاهیمی که در بازی وجود دارد، همه‌ی ابعاد وجودی کودک را دربر می‌گیرد. به عبارتی، قبل از این که جسم کودکی را که بالا و پایین می‌پرد، در نظر بگیریم باید بدانیم که سایر ویژگی‌های کودک، از جمله ویژگی‌های اجتماعی و ابعاد وجودی او درگیر این تحرک هستند. بسیاری از دانشمندان ایرانی و غیرایرانی نیز این موضوع را مطرح کرده‌اند و این در حالی است که والدین دانش‌آموزان با علم به این مطالب، باز هم توجه چندانی به فعالیت بدنی کودکان

حداقل دو ساعت یا یک جلسه در هفته نیز ورزش اختصاصی داریم که با تشخیص دوستان، این دو ساعت قابل افزایش است. همانند ساعات تقویتی کلاس‌های ریاضی و فیزیک یا سایر دروس، برای درس تربیت‌بدنی نیز کلاس‌های تقویتی دایر می‌شود، به طوری که دانش‌آموزان با اشتیاقی به مراتب بیشتر از دوره‌های تقویتی سایر دروس، در این برنامه شرکت فعال دارند و با اشتیاق در این زمینه به رقابت می‌پردازند.

مجموعه‌ی دبیران تربیت‌بدنی مدرسه نیز در ساعات غیرآموزشی و حتی روزهای تعطیل برای دانش‌آموزان برنامه دارند که جای تقدیر دارد. شروع این کلاس‌ها از تابستان و در پایه‌ی اول آقایان است. به این ترتیب که یک سری فرم‌هایی را به دانش‌آموزان می‌دهیم و پس از استعدادسنجی و تعیین رشته‌ی ورزشی مورد علاقه‌ی آن‌ها، سازمان‌دهی و پرورش داده می‌شوند. در نتیجه، همان‌گونه که در مباحث علمی حرف اول را در منطقه زده و در المپیاد بالاترین رتبه را کسب کرده‌ایم، همواره در تربیت‌بدنی نیز در مجموع رتبه‌ی اول را به دست آورده‌ایم.

دکتر سید مهدی آقاپور:

تن زنده‌ی والا به ورزش‌دگی است
که ورزش‌دگی مایه‌ی زندگی است
ز ورزش میاسای و کوشنده باش
که بنیاد گیتی به کوشندگی است
نیاکانت را ورزش آن مایه داد
که شه‌نامه زایشان به تابندگی است

این شعر از ملک‌الشعراى بهار است. بهار هم همان‌طور که می‌دانید، نه ورزشکار است و نه معلم، بلکه یک انسان روشنفکر، سیاستمدار و نویسنده‌ی برجسته است که در دوره‌ی ناهنجاری و نابسامانی ایران در اواخر دوره‌ی قاجار و اوایل پهلوی، این شعر زیبا و حکیمانه را در مورد ورزش سروده است، زیرا می‌دانست که ورزش برای جامعه‌ی ایران چه فواید ارزنده‌ای دارد.

براساس تحقیقاتی که در حوزه‌ی تاریخ، از جمله تاریخ تربیت‌بدنی و تاریخ عمومی داشتیم، متوجه شدم که تاریخ ورزش با تاریخ جامعه‌ی ما پیوند داشته و یکی از مهم‌ترین شاخص‌های شکوفایی فرهنگ و تمدن ایران، ورزش و تربیت‌بدنی است.

بنابراین مطلبی برای یکی از نشریات در سطح بین‌المللی با عنوان «برجستگی ورزش و تربیت‌بدنی در فرهنگ و تمدن ایرانی» و یا به عبارت دیگر، «نسبت تنگاتنگ هویت ایرانی و ملی مذهبی یا ایرانی اسلامی با هویت ورزش در فرهنگ ایرانیان» ارائه و چاپ شد و ما به این نتیجه رسیدیم که یکی از شاخص‌های فرهنگ و تمدن ایران در جهان، تعلیم و تربیت بوده و عناصر اصلی تعلیم و تربیت در گذشته‌ی درخشان ما (غیر از این ۲۰۰ تا ۳۰۰ سال اخیر) نیز ورزش و تربیت‌بدنی بوده است.



بهرام آهنجان:

یکی از آن حلقه‌های گمشده‌ای که
همه‌ی دوستان اتفاق نظر دارند، همین
نگاه تیزبین دبیر ورزش است و فکر
می‌کنم اولیای مدرسه به همین دلیل
باید به دبیر تربیت‌بدنی بها بدهند

قهرمانی اهمیت زیادی می‌دهند. معلم ورزش
نیز به‌جای بها دادن به دانش‌آموزان، به فکر
چند بازیکن خوب است تا به فدراسیون معرفی
و ادعا کند که دانش‌آموز او مثلاً به استرالیا
رفته و مدال آورده است.

تکلیف ۱۴ میلیون دانش‌آموز و ۱/۵ میلیون

معلم چیست؟

البته ورزش قهرمانی و استعدادیابی که پایه‌ی ورزش
قهرمانی است، ارزشمند می‌باشد و باید به آن توجه کرد،
ولی تکلیف آن ۱۴ میلیون نفر دانش‌آموز مدارس و یک
میلیون نفر معلم که همه در ارتباط با خانواده‌ها و به
عبارتی کل جامعه هستند چه می‌شود؟ چرا به آن‌ها
اهمیت نمی‌دهیم؟

معلمین ورزش باید به مسائل محوری بیشتر توجه
کنند. این محورهای اصلی چیستند؟

اولین مسئله‌ی محوری زنگ ورزش است، که چندان
اهمیتی به آن نمی‌دهند. به‌عنوان مثال، برای بازدید از یک
مدرسه در استانی رفته بودیم. معلم ورزش حضور نداشت و
دانش‌آموزان هم با لباس کاملاً غیرورزشی مشغول بازی بودند. به
هر زحمتی بود معلم ورزش را پیدا کردیم که در گوشه‌ای نشسته
و در عین حال ناظم مدرسه هم بود. این نشان‌دهنده‌ی اهمیت
ندادن به ورزش است، ضمن آن که اگر اتفاقی برای دانش‌آموزان
بافتند چه کسی جوابگو خواهد بود؟ نظارت نیست. به زنگ ورزش
هم اهمیت نمی‌دهند. جنبه‌های ناهنجاری جسمی کودکان، یعنی
مشکلات ساختار قامتی و اختلالات حرکتی و دانش‌آموزان نیز
چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد. چرا که معلم ورزش با آن شکلی
که گفتیم، توان لازم را ندارد و بیشتر اوقات سرگرم مهارت‌ها و
گرفتن کارت مربیگری است.

اگر دقت کنیم، معلم هم تقصیری ندارد. دومین مسئله‌ی
محوری، رویکرد تیم‌داری است. اولیای مدرسه می‌گویند که
مدرسه‌ی آن‌ها مدرسه‌ای است که تیمش در سطح منطقه اول
شده و دانش‌آموز آن مدرسه مثلاً در مالزی مقام آورده است. البته
ارزشمند است، ولی موضوع استعدادیابی و تیم‌داری که همان
رویکرد قهرمانی است، با بحث والدین موضوعیتی ندارد. متأسفانه
این رویکرد به آموزش و پرورش هم مسلط شده است.

تربیت‌بدنی تنها تربیت‌بدن نیست، بلکه تعلیم و تربیت حرکتی
است. یک نوع تربیت از طریق به‌کارگیری بدن است. بدنی که در
حال حرکت است، حرکتی که با مهارت توأم است، مهارتی که با
رقابت همراه است، رقابتی که در چارچوب هنجارهای پذیرفته شده
صورت می‌گیرد. بنابراین، بهترین، بیشترین و عمیق‌ترین مضامین
تربیتی، از طریق همین تربیت‌بدنی صورت می‌گیرد.

ما باید آسیب‌شناسی کنیم. رسانه‌های عمومی و از همه
مهم‌تر تلویزیون، نقش بسیار مهمی در تبیین اهمیت تربیت‌بدنی و
آسیب‌شناسی ورزش دانش‌آموزی دارند. امروز ذائقه‌ی ما را رسانه‌ها

نمی‌کنند. در این‌جا
بعد جامعه‌شناختی خانواده

مطرح می‌شود که مسئله‌ی خیلی مهمی است.

دو پایان‌نامه در خصوص «تأثیر خانواده بر روی اجتماعی
شدن ورزش کودکان» که همان افزایش فعالیت‌های جسمانی
کودکان است، انجام شده که یکی در دانشکده‌ی علوم اجتماعی
دانشگاه تهران و یکی در دانشکده‌ی علوم ورزشی بوده است. در
این دو پایان‌نامه، سه شاخص مورد توجه بوده است و دانش‌آموزان
ورزشکار با دانش‌آموزان غیر ورزشکار مقایسه شده‌اند. این سه
شاخص عبارت‌اند از: وضعیت اقتصادی و اجتماعی خانواده، ورزشکار
بودن یا ورزشکار نبودن خانواده و میزان وقت گذاشتن اولیا برای
بچه‌ها و با توجه به این سه شاخص، کار مقایسه‌ی دانش‌آموزان
صورت گرفته است. ما ۱۲۸ هزار مدرسه و ۳ هزار سالن ورزشی
در آموزش و پرورش داریم که یکی از مهم‌ترین کارکردهای آن امور
ورزشی بوده و حیاط‌های مدارس نیز به هر حال چند منظوره و
ورزشی است.

در یک مدرسه در یکی از استان‌ها، دیدیم سه دانش‌آموز
ایستاده‌اند، تا هشت معلم از آن‌ها تست بدنی و قهرمانی بگیرند،
در حالی که در مدرسه‌ی کنار آن، ۴۰ دانش‌آموز در حیاط با یک
معلم ورزش که کار زیادی هم با آن‌ها نداشت کار می‌کردند، چرا
که زنگ ورزش بود و به آن اهمیت داده نمی‌شود، ولی به ورزش

تعیین می‌کنند. حتی می‌توانیم سراغ دانشگاه‌ها برویم و از لحاظ آسیب‌شناسی به نتایج مهمی برسیم. اگر دانشگاه درست شود، جامعه نیز درست می‌شود و معلم را نیز دانشگاه تربیت می‌کند. اکنون در دانشگاه‌ها و در حوزه‌ی جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی، بحث‌های مفصلی در خصوص وضعیت ورزش وجود دارد. مهم‌ترین مسئله این است که ما باید اول فرد را کالبدشکافی کنیم و او را بشناسیم، سپس برای او دارو تجویز کنیم. باید بدانیم خانواده‌ها در امر ورزش چه جایگاهی دارند و چه عواملی روی آن‌ها تأثیرگذار است.

دکتر جواد آزمون:

آقای دکتر احمدی فرمودند که ما اگر تربیت را یک طیف ببنداریم، تربیت‌بدنی بخشی از آن است و اگر خانواده، تربیت را خوب نشاناسند به تبع آن تربیت‌بدنی را نشاناسند، شاید ناشی از کم‌کاری ما باشد که کمتر به معرفی آن پرداخته‌ایم. جناب آقای آهنگان! جناب‌عالی به‌عنوان دبیری که سال‌ها تجربه دارید و در مدارس سطح بالایی تدریس کرده‌اید، در این مورد چه نظری دارید؟ دلایل ذهنیت‌های خنثی، منفی و مثبت خانواده‌ها را در چه می‌بینید؟ آیا تربیت‌بدنی به خوبی معرفی شده است. یا این که کم‌توجهی از سوی معلمان تربیت‌بدنی بوده و یا دلایل دیگری باعث ایجاد این ذهنیت‌ها شده است؟

اشکال کار در خانواده‌هاست بهرام آهنگان:

من فکر می‌کنم، اشکال کار به خود خانواده‌ها برمی‌گردد. به عبارتی، نهادینه نشدن ورزش در خانواده اعم از پدر و مادر و فرزندان، باعث بی‌توجهی به تربیت‌بدنی می‌شود، چرا که یاد نگرفته‌ایم ورزش را جزئی از وجود و رفتارهای اجتماعی خودمان کنیم. اگر خانواده‌ها به سمت حرکت، پویایی و نشاطی که از تربیت‌بدنی به‌دست می‌آید گرایش پیدا کنند و حتی در محیط‌های بازی حضور داشته باشند، ناهنجار شکنی می‌شود و مشکلات زیادی حل خواهد شد. می‌دانید که اگر درون و هسته‌ی مرکزی یک خانواده از حرکت و پویایی مناسبی برخوردار باشد، وقتی اولیا به مدرسه می‌آیند، دبیر ورزش دغدغه‌ای ندارد که بخواهد موضوع تربیت‌بدنی را برای آن‌ها جا بیندازد و با این رویکرد خانواده، شاید دیگر هیچ ناهنجاری و مشکلی برای آن دانش‌آموز به‌وجود نیاید.

درصد بسیار بالایی از دانش‌آموزان ما از نظر ساختار قامتی ضعیف هستند. یعنی این عارضه از دوران ابتدایی شکل می‌گیرد و در سطوح بالاتر دبیرستان و حتی دانشگاه که کار از کار گذشته است، خانواده‌ها باید به مراکز درمان و اصلاح حرکتی مختلف مراجعه و تلاش کنند تا آن عارضه و ناهنجاری متوقف شود.

ما باید در زمان مناسب که همان ابتدای کار است و به دوران دبستان و محیط خانواده مربوط می‌شود، پویایی و حرکت را با هر شیوه‌ای که شده به خانواده و کودک تزریق کنیم تا از این عوارض در آینده جلوگیری شود.

مسائل تربیت‌بدنی و مدرسه، در وهله‌ی دوم قرار دارد و بحث نگرش خانواده‌ها به تربیت‌بدنی در داخل خود خانواده مهم‌تر است. در فرایض دینی هم اگر بخواهیم آن را برای بچه نهادینه کنیم، باید آن‌ها را از ابتدای کودکی با مسائل دینی مأنوس کنیم، تا وقتی به سن بلوغ فکری می‌رسند، با منطق جلو روند و بیمه شوند. اگر به روش‌های این‌چنینی که دین ما هم سفارش‌های زیادی روی آن دارد توجه کنیم، فکر می‌کنم نتیجه‌ی خیلی بهتری بگیریم.

دکتر جواد آزمون:

درس تربیت‌بدنی چه دستاوردی برای خانواده‌ها داشته است که این‌گونه استقبال نشان می‌دهند. به عبارتی از درس تربیت‌بدنی چه ثمرات و فوایدی عاید آن‌ها شده که نسبت به سایر مدارس استقبال بیشتری نشان می‌دهند.

دستاوردهای تربیت‌بدنی در مدرسه کمال بهرام آهنگان:

اگر دقت کنیم دانش‌آموزان رشته‌ی ریاضی، در مقایسه با دانش‌آموزان علوم انسانی، اهمیت کمتری به مقوله‌ی ورزش می‌دهند که این مشکل با تلاش و درایت اولیای مدرسه ما برطرف شده است. وقتی دانش‌آموزان وارد مدرسه‌ی کمال می‌شوند، ابتدا یک آزمایش ناهنجاری از آن‌ها گرفته و CD اصلاحیه‌ی حرکت‌های دانش‌آموزان به آن‌ها داده می‌شود. دانش‌آموزان نیز موظف هستند، این تمرینات را انجام دهند و قبل از مهرماه نیز استعدادیابی می‌شوند. این کارها سبب می‌شود که ما از اول مهرماه با برنامه پیش برویم. همکاران ما در رشته‌های مختلف ورزشی، به‌طور آکادمیک با دانش‌آموزان، از الفبای آن رشته شروع به فعالیت می‌کنند و بحث آموزش صورت می‌گیرد. خوشبختانه در مدرسه‌ی کمال، زنگ ورزش با برنامه توأم شده است و به همین دلیل، دانش‌آموزان می‌دانند که دبیر خوبی دارند و رشته‌ی انتخابی آن‌ها متناسب با علاقه‌ی خودشان است. طبیعتاً این نشاط به درون خانواده برمی‌گردد و اثرگذار است.

از طرفی، در مسابقات، برای دانش‌آموزان در کنار برد و باخت‌هایی که دارند، شور و نشاطی ایجاد می‌شود. هدف ما صرفاً قهرمانی نیست، هرچند باید به قهرمانی هم در کنار سایر مسائل فکر کنیم، چرا که در چارچوب برنامه‌ی ما لحاظ شده است. با روشی که در مدرسه‌ی کمال اعمال می‌شود، دانش‌آموزان دارای انگیزه می‌شوند و به تبع آن، میان آن‌ها با خانواده‌ها و مدرسه تعامل مناسبی برقرار می‌شود، زیرا دانش‌آموز پس از حضور در منزل، از

دکتر سید مهدی آقاپور:
باید اولیا بدانند که اگر به ورزش اهمیت بدهند، پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان بهتر خواهد شد. عامل مهم این اطلاع‌رسانی، رسانه است خانواده‌ها به‌طور تخصصی در زمینه‌ی تربیت‌بدنی اطلاعات کافی ندارند و نمی‌دانند ورزش دارای کارکردهای اجتماعی و ارزشی است

مسائل داخلی مدرسه و تعامل با اولیای مدرسه صحبت می‌کند و این یک حرکت رو به جلوست.

دکتر جواد آزمون:

در برخی موارد، خانواده‌ها معتقدند که ساعات درس تربیت‌بدنی و ورزش، به‌نوعی دست و پا گیر و مانع پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان شده است، در حالی که کمتر سندی این نظرات را تأیید می‌کند. اکثر تحقیقات نشان می‌دهد، مدارسی که ساعات‌های آموزشی را کم کرده و معادل آن را به درس تربیت‌بدنی اختصاص داده‌اند، نه تنها باعث ضعیف شدن درس دانش‌آموزان نشده بلکه به تقویت سایر دروس نیز انجامیده است. ضمن این که بسیاری از مشکلات اخلاقی و انضباطی مدرسه نیز حل شده است. لطفاً نظر خودتان را در این مورد هم بفرمایید؟

ورزش ما در قهرمان‌پروری خلاصه شده است

دکتر علی اصغر احمدی:

الان ورزش و فعالیت‌های ورزشی ما در عالی‌ترین شکل که همان ورزش قهرمانی است، خلاصه شده است، یعنی در نهایت قهرمان‌سازی و قهرمان‌پروری و تعداد کمی از جوانان ما می‌توانند در این سطح مطرح شوند، چرا که باید صلاحیت‌های گوناگون، انگیزه‌های بالا و آمادگی بدنی کافی و همچنین خلاقیت حرکتی داشته باشند تا در مسیر قهرمانی قرار گیرند. خلاقیت حرکتی نقش بسیاری مهمی در ورزش قهرمانی دارد، چرا که فرد باید در یک موقعیت حساس و محدود، تصمیم‌گیری کند.

در مورد ورزش قهرمانی، چون خانواده‌ها می‌دانند که تعداد محدودی از دانش‌آموزان از این طریق موفق خواهند شد، طبیعتاً به‌خاطر دغدغه‌ی خاطری که برای فرزندان‌شان دارند، آن‌ها را از گرایش به سوی ورزش باز می‌دارند و برای ادامه تحصیل در دانشگاه، تلاش می‌کنند. بدین‌طریق هم خانواده و هم دانش‌آموز از ورزش دور می‌شود. اگر ما به تربیت‌بدنی از زاویه‌ی تربیتی نگاه کنیم، اتفاق دیگری می‌افتد و خانواده‌ها به سمت ورزش و تربیت‌بدنی گرایش پیدا می‌کنند.

اگر تربیت‌بدنی به‌جایی ختم شود که به دانش‌آموزان تواضع و فروتنی را بیاموزد، تأثیر بسیار مثبتی در نگاه خانواده‌ها خواهد داشت. مانند ورزش‌های سنتی و ورزش زورخانه‌ای که به ورزشکار می‌آموخت که اگر از لحاظ بدنی به‌جایی رسید، باید به همان اندازه متواضع باشد. بنابراین اگر خانواده‌ها بدانند که با درس تربیت‌بدنی، به تواضع فرزندان‌شان افزوده می‌شود، استقبال گسترده‌ای از این

درس خواهند داشت.

دکتر جواد آزمون:

آقای دکتر احمدی! آیا بین تربیت‌بدنی و پیشرفت تحصیلی ارتباط وجود دارد؟

دکتر علی اصغر احمدی:

به مدرسه‌ای در مرکز یکی از استان‌ها رفته بودم. زنگ ورزش بود و دانش‌آموزان دختر یک کلاس ۳۰ نفره با چند توپ فوتبال «وسطی» بازی می‌کردند. معلم ورزش مدرسه نیز وسط دانش‌آموزان ایستاده و به نقطه‌ای خیره شده بود. به عبارتی هیچ توجهی به ورزش دانش‌آموزان نداشت. خود این بی‌توجهی باعث بروز آسیب‌های فراوانی می‌شود. اگر همین دانش‌آموزان بازی «گردو شکستم» را انجام می‌دادند، میزان رشد تعادل حرکتی آن‌ها افزایش بهتری داشت تا این که بی‌برنامه و بی‌هدف با توپ فوتبال یک‌دیگر را بزنند.

در مورد همین مسئله‌ی اختلال یادگیری، معتمد معلمان ورزش به‌خصوص در دوره‌ی ابتدایی، خیلی بهتر از سایر معلمان می‌توانند این اختلالات را تشخیص دهند. مثلاً ناهماهنگی‌های حرکتی یا عدم غلبه‌ی جانبی را که کودک در سه یا چهار سالگی به آن رسیده و در زمان حضور در مدرسه، هنوز به مرحله‌ی تکمیل این غلبه نرسیده است، معلم ورزش بهتر تشخیص می‌دهد. برای مثال: اگر به یک کودک بگویید از یک سوراخ به جایی نگاه کند، هنوز چشم غالب خودش را نمی‌شناسد، در صورتی که باید سریعاً چشم مغلوب را ببندد و با چشم غالب نگاه کند. معلم تربیت‌بدنی باید نارسایی‌های حرکتی و نارسایی‌های غلبه‌ی جانبی کودک را تشخیص دهد و آن را برطرف کند.

مشکل ما در کمبود امکانات نیست، بلکه در همان اندیشه‌ی تربیت‌بدنی است و به همین دلیل باید این اندیشه تقویت و به معنای واقعی تبیین شود. مثلاً در مکاتب ورزشی آسیای جنوب شرقی، محور تمام فعالیت‌های ورزشی، ورزش‌های رزمی است که نکات مختلف معنوی، اخلاقی و اجتماعی در آن نهفته است. پشتوانه‌ی این دیدگاه ورزش رزمی، دیدگاه‌های معنوی و فکری است و ما از تأثیرات این دیدگاه‌ها غافل مانده‌ایم. بنابراین ما می‌توانیم ورزش کشور خودمان را با ورزش این کشورها نیز مقایسه کنیم. امروز سوار ماشین شدم، دیدم جوان راننده، عکس تختی را آویزان کرده است. تختی از صرف ورزش این جایگاه را به‌دست نیاورده است، بلکه از جهات اخلاقی و اجتماعی در این جایگاه قرار دارد.

خانواده‌ها به‌دنبال دستاوردهای مناسب از ساعات تربیت‌بدنی هستند و اگر در این ساعات، جوانان متواضع و مردمی پرورش یابند، خانواده‌ها استقبال خواهند کرد. یا اگر از ساعات درس تربیت‌بدنی حل مشکلات اجتماعی حاصل شود و ناسازگاری‌های دانش‌آموزان برطرف شود، نگرش خانواده‌ها به تربیت‌بدنی متحول می‌شود. ما باید برنامه‌ی تربیت‌بدنی و برنامه‌ی سایر دروس را با دانش‌آموزان تطابق بدهیم، نه این که دانش‌آموزان را مجبور به تطبیق با برنامه کنیم و

دکتر سید مهدی آقا پور:
باید مسائل ورزش به‌طور ارشادی و هدایتی با گذاشتن نشست‌ها و نظارت و هدایت در رسانه‌ها به‌صورت میان‌مدت تبیین شود

محمدعلی خسروپناهی:
باید تعریف درستی از تربیت بدنی
ارائه و از آن به‌عنوان یک نیاز یاد
کنیم



شوق و اشتیاق را از آن‌ها بگیریم. فرزندان خودم از تربیت بدنی دانشگاه و مدرسه شکایت دارند که چرا مجبورند مثلاً ۲۰ مرتبه بارفیکس بروند تا نمره‌ی کامل بگیرند و با رفتن ۱۹ بارفیکس نمره‌ی آن‌ها کم می‌شود. ما نباید تمام بچه‌ها را به‌طور یکسان و در یک رقابت قرار دهیم، چرا که شرایط بدنی دانش‌آموزان متفاوت است. اگر ما به اندازه‌ی قامت هر کس، لباس مناسب تن او را بدوزیم و برنامه را با دانش‌آموز هماهنگ کنیم، به‌راحتی قادر به رفع ناسازگاری‌های جوانان، عزت‌نفس و افزایش اعتماد به‌نفس آن‌ها می‌شویم. باید هر دانش‌آموز در هر نقطه که قرار دارد یک قدم جلو بیاید و همان توانایی مشخص او را تقویت کنیم.

به نظر من، خانواده‌ها از دستاوردهای تربیت بدنی بی‌اطلاع هستند. باید در جلسات آموزش خانواده‌ها، معلمان تربیت بدنی به تبیین دستاوردهای این درس بپردازند و فواید تربیت بدنی را به خانواده‌ها توضیح دهند، تا نگرانی و دغدغه‌ی خاطر اولیا برطرف شود و با دید باز و آگاهی کامل، استقبال گسترده‌ای از تربیت بدنی که باعث افزایش اعتماد به‌نفس فرزندانشان و سرزندگی و شادابی آن‌ها می‌شود، داشته باشند. در حال حاضر خانواده‌ها تنها راه نجات فرزندانشان را در درس خواندن مستمر می‌دانند و هر چیز دیگر از نظر آن‌ها مضر و خطرناک است، در حالی که تربیت بدنی تأثیر مثبت زیادی بر سایر دروس دانش‌آموزان دارد ولی این کار برای اولیا تبیین نشده است.

به‌همین دلیل خانواده‌ها تربیت بدنی را مزاحم می‌دانند و فکر می‌کنند اگر فرزندان از درس خواندن کمی دور شود، او را از دست می‌دهند. مکتبی که پشت تربیت بدنی قرار دارد، اهمیت زیادی دارد و باتوجه به گسترده‌ی فعالیت تربیت بدنی، اگر جنبه‌های اجتماعی، اخلاقی و سایر جنبه‌های کارآمد این حوزه برای خانواده‌ها روشن شود، قطعاً مورد استقبال آن‌ها خواهد بود.

دکتر جواد آزمون:

آقای خسرو پناهی! لطفاً شما در خصوص روش‌های برقراری ارتباط خانواده‌ها با معلمان تربیت بدنی و اهمیت این ارتباط توضیح دهید؟ دلیل بی‌توجهی خانواده‌ها به درس تربیت بدنی چیست؟

دلیل بی‌توجهی خانواده‌ها به درس تربیت بدنی محمدعلی خسروپناهی:

چرا خانواده‌ها نسبت به درس تربیت بدنی و ورزش حساسیتی ندارند و به آن بی‌توجه هستند؟

چرا دیدگاه خانواده‌ها نسبت به تربیت بدنی خنثی است؟ این مسئله برمی‌گردد به آن که آیا حرمت امام‌زاده را متولی‌اش نگه داشته است یا نه؟ همین هفته‌ی گذشته، اداره از من خواسته بود شش نفر از مربیانی که بهترین درصد قبولی را دارند معرفی کنم تا مورد تشویق قرار بگیرند. در مدرسه‌ی کمال هم دانش‌آموزان

صددرصد قبولی بودند و قرار شد من میانگین نمرات را در نظر بگیرم. معمولاً میانگین نمرات کلاسی ما بالای ۱۸ است. در مرحله نهایی هم که سال گذشته رتبه‌ی سوم را در تهران کسب کردیم، میانگین رتبه ما بیشتر از ۱۸ بود. ولی میانگین درس تربیت بدنی مدرسه‌ی کمال ۲۰ بود. وقتی می‌گوییم میانگین درس تربیت بدنی ۲۰ است، آیا همه‌ی دانش‌آموزان در یک حد هستند؟ وقتی درس حسابان را در نظر می‌گیریم، در مدرسه‌ای مثل کمال بچه‌ها مستعد و گلچین شده‌ای را دارد، در زمینه‌ی درس حسابان، نمرات ۲۰، ۱۹، ۱۷ و حتی ۱۴ هم داریم ولی درس تربیت بدنی با میانگین ۲۰، توجه خانواده‌ها را به این درس جلب می‌کند.

در دروس دیگر و حتی دروس شفاهی نیز همین وضعیت حاکم است و اولیای مدرسه روی تمام دروس وقت می‌گذارند. در جامعه‌ی ما دیدگاه خانواده‌ها این است که در وهله‌ی اول رشته‌ی ریاضی را ترجیح می‌دهند. سپس تجربی و اگر دانش‌آموز نمره نیآورد، رشته‌ی انسانی و در آخرین مرحله، به رشته‌ی فنی و حرفه‌ای و کارودانش روی می‌آورند. آن هم چون چاره‌ای ندارند. به استعدادهای دانش‌آموزان توجهی نمی‌کنند و با این دیدگاه غلط، به رشته‌های تحصیلی نگاه می‌کنند، در صورتی که واقعیت چیز دیگری است. در مورد تربیت بدنی هم همین‌گونه است.

دکتر سید مهدی آقاپور:
یکی از مهم‌ترین کارهایی که باید در زمینه‌ی ترغیب خانواده‌ها به تربیت‌بدنی و ورزش صورت گیرد، اطلاع‌رسانی است

زمانی که خود ما محصل بودیم، دانش‌آموزان درس‌خوان گوشه‌ای می‌نشستند و دانش‌آموزان ضعیف، ورزش می‌کردند.

سالی که دیپلم گرفتم، دانش‌آموزی بود که پنج یا شش سال برای گرفتن دیپلمش درجا زده بود ولی قهرمان فوتبال قم بود. این دیدگاه غلط که به شکل یک فرهنگ در جامعه‌ی ما جا افتاده است، در خانواده‌ها نیز وجود دارد و به همین دلیل، خانواده‌ها نسبت به این که فرزندانشان جذب ورزش شوند، رضایت چندانی ندارند.

برای خانواده‌ها تعجب‌آور است که یک دبیرستان با دانش‌آموزان درس‌خوان، چگونه قهرمان ورزشی دارد. بنابراین باید دیدگاه غلط جامعه و خانواده‌ها را عوض کنیم تا بپذیرند که دروس ریاضی، فیزیک، تربیت‌بدنی و سایر دروس مکمل یکدیگر هستند و دانش‌آموزان درس‌خوان هم نیاز به تربیت‌بدنی و جسم و روح و روانی سالم دارند؛ همان گونه که دانش‌آموزان ضعیف ولی ورزشکار نیز نیاز به مطالعه‌ی سایر دروس خواهند داشت.

مطلب دیگری که باید عرض کنم تفاوت مربی تربیت‌بدنی یا ورزش با مربیان سایر دروس است و از این‌رو مربی تربیت‌بدنی باید یک سری ویژگی‌های خاص نیز داشته باشد. مانند معلم اول ابتدایی که علاوه بر داشتن علم و آگاهی، باید یک هنرمند باشد. به نظر من، هنرمندی او در پایه‌ی اول ابتدایی، بیش از علم و آگاهی معلمی مورد نیاز است چرا که باید با اتخاذ روشی مناسب، دانش‌آموز را از دامن مادر و محیط خانواده جدا و وارد فضای دیگری کند که این ایجاد اشتیاق برای دل‌بستگی کودک به فضای مدرسه، نیاز به استعدادهای ظریف و عاطفی دبیر این مقطع تحصیلی دارد. به همین دلیل است که اکثر معلمان پایه‌ی اول ابتدایی را خانم‌ها تشکیل می‌دهند، چون حوصله‌ی بیشتری دارند.

معلم تربیت‌بدنی نیز باید ویژگی‌های خاص خودش را داشته باشد. مثلاً برای معلم ریاضی کتابی تألیف شده که فصول و پیش‌نیازهای آن مشخص است. یعنی اگر کسی بخواهد به فرض درس حسابان را در سال دوم دبیرستان بخواند، باید ریاضی ۱ و ۲ را مطالعه کرده باشد. ولی در درس تربیت‌بدنی چنین چیزی نیست و ویژگی‌ها و هنرمندی معلم تربیت‌بدنی، حرف اول را می‌زند.

من سال ۶۱ در قم مدیر یک مدرسه‌ی دو شیفت بودم. این مدرسه حیاط بزرگی داشت و برای اوقات فراغت بچه‌ها در زمان تعطیلی مدرسه، برنامه‌هایی را تدارک دیده بودیم. هنگام بازی، دانش‌آموزان، ناخواسته شخصیت واقعی خودشان را نشان می‌دادند و ما با گروه‌بندی آن‌ها توانستیم روی مشکلات رفتاری بعضی از دانش‌آموزان کار کنیم که رشد زیادی هم داشتند.

بنابراین مربی تربیت‌بدنی این امکان را دارد که بتواند روی

این مسائل کار کند، چرا که دامنه‌ی فعالیت بسیار وسیعی دارد و نمی‌توان او را محدود کرد. ضمن آن که مسئولین اجرایی مدارس، باید این گستره‌ی کاری را برای معلمان تربیت‌بدنی فراهم کنند. به نظر من، اگر آرام آرام به این سمت برویم، نتایج خوبی خواهیم گرفت و می‌توانیم روی تفاوت‌های فردی و بسیاری از مسائل دیگر تمرکز کنیم و طبیعتاً به سوی قهرمان‌پروری هم نمی‌رویم.

بهرام آهنجان:

ما جدا از کارهای آکادمیک و تحقیقات این‌چنینی، در مدرسه‌ی کمال از تجاربی بهره برده‌ایم که باعث شده است میانگین نمره‌ی تربیت‌بدنی دانش‌آموزان این مدرسه ۲۰ شود. مثلاً ما در بخش ورزش عمومی، کار قوای جسمانی را انجام دادیم و مرتباً از بچه‌ها تست می‌گیریم. به عنوان مثال: اگر قضیه‌ی دراز و نشست را در نظر بگیریم، طبق جدول اگر دانش‌آموزان یک تعداد مشخصی را برونند، نمره‌ی مشخصی می‌گیرند و این مسئله برای آن‌ها ایجاد انگیزه‌ی بیشتری می‌کند. تفاوت‌های دانش‌آموزان نیز در نظر گرفته می‌شود و به تناسب پیشرفت‌شان در آن ماده‌ی ورزشی نمره می‌دهیم. مثلاً یک دانش‌آموز ۱۲۰ کیلویی واقعاً نمی‌تواند این کار را انجام دهد. بنابراین اگر روز اول سه‌بار دراز و نشست می‌رفت و اکنون ۱۳ بار درازونشست می‌رود، همین مسئله ارزشمند است و ملاک نمرات او خواهد بود. بنابراین، ما در مدرسه‌ی کمال بهانه‌ای برای این ۲۰ دادن و ایجاد انگیزه برای پیشرفت دانش‌آموزان داریم، حتی به بحث رژیم غذایی هم وارد شده‌ایم.

دکتر جواد آزمون:

ارتباط این عملکرد با خانواده چگونه بوده و آیا این عملکرد شما توانسته است خانواده‌ها را متوجه اهمیت درس تربیت‌بدنی کند یا خیر؟

بهرام آهنجان:

بله. به هر حال صحبت‌های دانش‌آموزان در فضای خانه منعکس می‌شود و در مورد عملکرد مربیان بحث‌هایی با والدین دارند. در این مدرسه روی اوقات فراغت و تمام دروس دانش‌آموزان، برنامه‌ریزی دقیقی صورت می‌گیرد، به گونه‌ای که فرق نفر اول با نفر دهم چند صدم نمره است؛ این فضا یک فضای درسی است. حالا چه می‌شود که ۱۸۰ نفر را می‌توانیم در کانون‌های ورزشی درگیر کنیم، قطعاً نشان‌دهنده‌ی فعالیت‌هایی است که در این زمینه صورت گرفته است؛ فعالیت‌هایی که خانواده‌ها و دانش‌آموزان مجاب شده و به سوی ورزش گرایش پیدا کرده‌اند.

به نظر من معلم ورزش شرایط ویژه‌ای دارد. من معلم، وقتی می‌بینم یک دانش‌آموز در گوشه‌ای نشسته است و نشستن او طبیعی نیست، با زبان خودش و هنر خودم متوجه می‌شوم که چه شده است. من حتی در این‌جا می‌توانم با معرفی او به مشاور مدرسه او را در حل مشکلات کمک کنم و برای پیشرفت حتی در ورزش او را فعال کنم. به نظر من، یکی از آن حلقه‌های گمشده‌ای که همه‌ی دوستان اتفاق نظر

دارند، همین نگاه تیزبین دبیر ورزش است و فکر می‌کنم اولیای مدرسه به همین دلیل باید به دبیر تربیت‌بدنی بها بدهند.

دکتر جواد آزمون:

شاید اگر معلم تربیت‌بدنی داشته باشیم نه معلم ورزش، این انتظارات را هم می‌توانیم از این شخصیت داشته باشیم. نظر شما چیست؟

دکتر علی اصغر احمدی:

والدین به سلامت فرزندانشان می‌اندیشند؛ حالا به هر طریقی که امکان داشته باشد. این که فرزندانشان را به درس خواندن تشویق می‌کنند و آن‌ها را در حصار درس نگه می‌دارند، به خاطر این است که به بیراهه نروند و مشکلی برای آن‌ها ایجاد نشود. بنابراین اگر به اهمیت تربیت‌بدنی پی ببرند، بدون شک استقبال خواهند کرد.

نقش رسانه‌ها در آموزش تربیت‌بدنی

دکتر جواد آزمون:

آقای آقاپورا! شما به نقش رسانه‌ها و نقش بسیار وسیعی که به‌طور غیررسمی در آموزش دارند، اشاره کردید چرا نقش رسانه‌ای تأثیری روی بحث تربیت‌بدنی و مطالباتی که خانواده‌ها از این درس و مدرسه دارند، نگذاشته است؟

دکتر سیدمهدی آقاپور:

دانش‌آموزان باید سه ویژگی را دنبال کنند. اولین ویژگی جنبه‌ی جسمی است که سلامتی، تندرستی و بهزیستی می‌باشد. در کنار آن نیز مهارت‌ها باید تقویت شود که در سطح پایه یا استعدادیابی و تیم‌داری است، اما برای تقویت آن، باید آگاهی‌ها منتقل شوند که رسانه با این بحث بیگانه است. آموزش و پرورش یک نظام اجتماعی است. یک معلم به کلاس درس می‌رود در حالی که چندین نفر از او پشتیبانی می‌کنند.

به‌طور کلی، دولت و مجموعه‌ی نظام اجتماعی مخصوصاً در کشور ما که نظام جمهوری اسلامی است، آموزش و پرورش را پشتیبانی می‌کنند. هدف اصلی دین اسلام ساختن انسان هاست. تمام نظام اجتماعی باید به‌صورت یک نظام تعلیم و تربیتی تعریف شوند که در رأس آن آموزش و پرورش قرار گرفته است و در این زمینه رسانه‌ها کوتاهی می‌کنند. دانش‌آموز وقتی به دانشگاه وارد می‌شود، واحد عملی تربیت‌بدنی دارد، در حالی که ۷۰ تا ۸۰ درصد از این دانش‌آموزان فعالیت‌های بدنی کمی دارند.

ورزش دانش‌آموزان دختر نیز مطلوب نیست، چرا که آموزش و پرورش رویکرد قهرمانی دارد، غلط نیست اما تک‌بعدی است. چرا آموزش و پرورش این‌گونه است برای این که رسانه‌های ما از تربیت‌بدنی، ورزش و معلم ورزش حرفی نمی‌زنند. دنیا دنیای رسانه‌ای و جهانی شدن است. اگر به بچه‌ها حتی بچه‌های شش ماهه نگاه کنید، در زمانی که تلویزیون روشن است و تبلیغات دارد به‌خاطر تأثیر شدید رنگ، صدا و نور آگهی‌های تبلیغاتی که تأثیرات زیادی روی حواس پنج‌گانه ی کودک برجای می‌گذارد، بچه هر

کاری را که دارد رها می‌کند و به تبلیغات توجه می‌کند. بنابراین اگر برای تربیت‌بدنی و ورزش هم در رسانه‌ها کار شود، طبیعتاً نتیجه می‌گیریم.

باید مسائل ورزش به‌طور ارشادی و هدایتی با گذاشتن نشست‌ها و نظارت و هدایت در رسانه‌ها به‌صورت میان‌مدت تبیین شود. باید بدانیم چرا خانواده‌ها کمتر به ورزش می‌پردازند. آسیب‌شناسی موضوع چیست و چه راهکارهایی باید دنبال شود؟ این نگاه حالت جامعه‌شناسی دارد. معلم ورزش با سه بعد کودک سروکار دارد. یکی از ابعاد، بعد جسمی کودک است و براساس فضای مسلط بر جامعه، معلمان ورزش فقط به این بعد کودک توجه دارند.

یونسکو، شورای عالی انقلاب فرهنگی و هم‌چنین منشور ملی جوانان در اصل ۹۲ تا ۹۸ در خصوص ورزش به مواردی تربیتی اشاره کرده‌اند که معلمان ورزش باید این مسائل را بدانند، تا متوجه شوند که کار آن‌ها فقط آموزش مثلاً فورهند و بک‌هند نیست.

دانشگاه علوم ورزشی باید این مسائل را تبیین کند، ولی متأسفانه همه‌ی مسائل ورزش را در عضله و استخوان یا حرکت و مهارت خلاصه کرده‌اند و رویکرد دانشگاه‌ها نیز ورزش قهرمانی شده است.

باید الگوها را مطرح کنیم. «بهرام چوبین» قبل از اسلام و «یعقوب لیث» بعد از اسلام هر دو پهلوان هستند. ما پهلوان‌های واقعی حتی پهلوان زن هم داریم. خواهر «بهرام چوبین»، «گردیبه» یک زن پهلوان است. پهلوان‌هایی که ایرانی هستند و ما آن‌ها را نمی‌شناسیم. گروه «بومسلم» را که یک پهلوان بود و از روستای «سفیدنج» حرکت کرد و در اوج حکومت اموی جنگید و همه را شکست داد نمی‌شناسیم.

«کوبرتن» بنیان‌گذار ورزش نوین، کتاب «تربیت

ورزشی» را نوشته است که همین عنوان را مرحوم دکتر مظلومی هم دارد. جالب است که همین کلمه‌ی «تربیت ورزشی» را که بر خلاف فضای جامعه، فقط تربیت‌بدنی نیست حضرت «امام خمینی (ره)» نیز گفته‌اند. با این مضمون که «همه‌ی ابعاد وجودی‌تان را ورزش دهید.» مقام معظم رهبری هم به «تحصیل، تهذیب و ورزش» توأمان توصیه فرموده‌اند. باید این آگاهی‌ها را به فضای جامعه منتقل کنیم.

در برخی کشورها قانونی وجود دارد به‌نام قانون «نه پاس، نه بازی». پاس یعنی پاس کردن واحد. اگر کسی از ورزشکارها واحدش را پاس نکند، از بازی خبری نیست. لذا بیش از ورزش‌های قهرمانی، به ورزش دانشگاه‌ها و آموزش و پرورش اهمیت می‌دهند و هزینه‌های هنگفتی نیز صرف این امور می‌شود.

از طرفی ورزش، مهم‌ترین عامل برای کاهش بزهکاری و اعتیاد در جامعه است. آیا ما در زمینه‌ی اختصاص بخشی از بودجه‌های

دکتر علی اصغر احمدی؛
امروزه تربیت‌بدنی را در حد و
حدود کلمه‌ی ورزش می‌دانند،
در حالی که اگر بخواهیم شأن
این کلمه را به‌جا بیاوریم، به
اعتقاد من مسائل بسیاری
در این حوزه جای می‌گیرد
و موجب توسعه و گسترش
تربیت‌بدنی می‌شود

بهرام آهنجان:
اگر خانواده‌ها به سمت حرکت، پویایی و نشاطی که از تربیت بدنی به دست می‌آید گرایش پیدا کنند و حتی در محیط‌های بازی حضور داشته باشند، ناهنجار شکنی شده و مشکلات زیادی حل خواهد شد

مبارزه با مواد مخدر و فیلم‌هایی که در این زمینه ساخته می‌شود، به ورزش و تربیت بدنی، اقدامی کرده‌ایم؟

در کانادا نیز یکی از شهرداران به خاطر افزایش بزهکاری، ورزشگاه‌های زیادی دایر کرده که موجب کاهش بزهکاری شده است. یکی از مهم‌ترین رویکردهای ورزش، رویکرد اجتماعی از بعد کاهش آسیب‌ها و ناهنجاری‌هاست. رویکرد تربیت و جبران هم داریم. رویکرد جبران برای کسانی است که ورزش را برای بزهکاری استفاده می‌کنند و به رویکرد جبران نیاز دارند. رویکرد تربیت هم از بزهکاری می‌کاهد.

سرانه‌ی ورزش یک دانش‌آموز در ایران ۸۰۰ تومان است، در حالی که برای ما المپیک چین ۱۲۰ میلیارد تومان هزینه داشته است. بودجه‌ی ورزشی امروز آموزش و پرورش ۲۰ میلیارد است، در صورتی که بودجه‌ی ورزش قهرمانی ۳ هزار میلیارد است. هزار میلیارد آن بودجه‌ی خود ورزش و ۲ هزار میلیارد آن مربوط به بندب ماده ۱۱۷ برنامه چهارم توسعه می‌باشد. جالب این‌که بند الف آن که ورزش تربیتی است در برنامه‌ی پنجم حذف شده و بند ب به قوت خود باقی است.

بندی که برای تحقق بند الف مکتوب شده باقی است و بند الف که رویکرد تربیتی و فرهنگی در ورزش با اولویت در ورزش دختران است حذف شده است.

به بحث خانواده برمی‌گردیم. یکی از مهم‌ترین کارهایی که باید در زمینه‌ی ترغیب خانواده‌ها به تربیت بدنی و ورزش صورت گیرد، اطلاع‌رسانی است. دلایل تربیتی و روان‌شناختی فراوانی برای اهمیت ورزش وجود دارد.

مطالعات زیادی در زمینه‌ی وضعیت درسی دانش‌آموزان صورت گرفته و به این نتیجه رسیده‌اند که هنگام مسابقات، دانش‌آموزان ورزشکار از دانش‌آموزان غیر ورزشکار عقب می‌مانند، اما زمانی که فصل مسابقات نیست دانش‌آموزان غیر ورزشکار از دانش‌آموزان ورزشکار عقب می‌مانند. بنابراین، باید اولیا بدانند که اگر به ورزش اهمیت دهند، پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان بهتر خواهد شد. عامل مهم این اطلاع‌رسانی، رسانه است.

سلامت روانی باید در کنار سلامت جسمانی و حرکتی قرار داشته باشد و از این طرف نیز علاقه و انگیزه‌ی ورزش منتقل شود. در ورزش چهار نهاد اصلی نقش کلیدی دارند که شامل رسانه ملی، آموزش و پرورش، دانشگاه‌ها و سازمان تربیت بدنی می‌شوند که هر کدام به سهم خود باید در اطلاع‌رسانی نسبت به اهمیت ورزش و تربیت بدنی گام بردارند. خانواده‌ها به‌طور تخصصی در زمینه‌ی تربیت بدنی اطلاعات کافی ندارند و نمی‌دانند ورزش دارای کارکردهای اجتماعی و ارزشی است. باید نگاه‌های جامعه‌شناختی بررسی شوند و زمینه‌های تربیت بدنی و گرایش خانواده‌ها به سوی ورزش فراهم شود. بودجه و امکانات لازم در نظر گرفته شود و رویکرد

رسانه‌ای، دانشگاهی و مدارس صرفاً رویکرد قهرمانی نباشد. مهم‌ترین نیروهای انسانی ورزش، متخصصانی هستند که از دانشگاه‌ها تأمین می‌شوند. دانشگاه‌ها باید متخصصانی تربیت کنند که رویکرد تربیتی داشته باشند. باید پایان‌نامه‌هایی در مورد خانواده‌ها و مسائل تربیتی و ورزشی نوشته و در این زمینه نظارت و ارزیابی شود. متأسفانه معلمان ورزش در نشست‌های تلوویزیونی استان‌های مختلف هم حضور ندارند و این در حالی است که حتی تیم‌های ملی هم از درون آموزش و پرورش شکل می‌گیرد.

دانش‌آموزان کشور ۱۴ میلیون نفر هستند و اهمیت فراوانی دارند، پس باید به آن‌ها توجه شود. باید معلمان و دانش‌آموزان بدانند که ۵ هزار سال پیش در کشور ما مسابقات ورزشی با عنوان «جام ارجان» برگزار می‌شد که در بهبهان و تمدن ایلام پیدا شده است. این جام نزدیک به نیم‌متر قطر و ۳۰ سانتی‌متر قد داشته است که با یک طرح هنری زیبا در وسط آن، نشان‌دهنده‌ی ۸ رشته‌ی ورزشی و رقابت ورزشکاران در ۳۲ رشته‌ی ورزشی است. یا جام «حسن‌لو» که اطراف ارومیه پیدا شده و مربوط به زمان قبل از مادها و قبل از آمدن آریایی‌ها به ایرانی است و ۲ نفر را نشان می‌دهد که با هم بوکس بازی می‌کنند و کلاه و دستکش دارند. دانش‌آموزان ما از تاریخ ورزش ایران اطلاعات و آگاهی کافی ندارند.

برای تشویق و ترغیب خانواده‌ها به سوی ورزش نیز، در مرحله‌ی اول باید دولت پشتیبان این قضیه باشد. ما می‌گوییم که باید از آن ۳ هزار میلیارد تومان، حداقل ۵۰۰ میلیارد تومان به آموزش و پرورش اختصاص داده شود، چون رکن اول تربیت بدنی آموزش و پرورش است. آیا تندرستی به علم خدمت نمی‌دهد؟ عقل سالم در بدن سالم نیست؟ آیا پیشرفت تحصیلی حاصل نمی‌شود؟ یکی از کارکردهایی که تعلیم و تربیت بدنی می‌تواند داشته باشد، این است که فضایی به وجود آورد که بچه‌ها از نظر علمی پیشرفت کنند.

نیروی انسانی سالم، مهم‌ترین شاخص اقتصاد شکوفاست. آیا تعلیم و تربیت بدنی به جنبه‌ی دفاعی کشور خدمات نمی‌دهد؟ آموزش شنا قبل از این که توسط سازمان ورزش صورت گیرد، باید توسط سازمان رزم کشور، یعنی ارتش و سپاه پی‌گیری شود.

چرا که آشنایی با شنا در هشت سال دفاع مقدس اهمیت فراوانی داشت در این جنگی که درصد بالایی از آن جنگ آبی بود، خیلی از عزیزانی که شهید شدند، با ورزش شنا آشنایی نداشتند. ورزش شنا در مدارس باید اجباری شود.

بنابراین در مرحله‌ی اول باید دولت وظیفه‌ی حمایتی، نظارتی و هدایتی و نه دخالتی داشته باشد. باید ورزش محلات، مدارس و مساجد در بین گروه‌های داوطلب رشد کند. خانواده‌ها نیز باید ترغیب شوند و با آگاهی و اطلاع از اهمیت ورزش و با کمک معلمان تربیت بدنی، موجب اعتلای ورزش دانش‌آموزی شوند.

بحث در این مورد طولانی است و اساتید حاضر در میزگرد صحبت‌های زیادی در این مورد دارند. اما متأسفانه مجله‌ی رشد تربیت بدنی فضای محدودی برای این کار دارد. امید داریم بحث‌هایی که در میزگردهای رشد تربیت بدنی مطرح می‌شود برای مخاطبان گرمای قابل استفاده باشد.